

فرمان
نادرشاه افشار

در مورد

تقلب در مالیات دیوانی



علی اصغر شریف
مستشار دیوان عالی کشور

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از آنجا که تاریخ قضایی ایران چه از نظر امور کیفری و نوع جرایم و مجازات و چه طرز رسیدگی در ادوار مختلف بطور کامل تدوین و جمع آوری نشده و برای روشن شدن این سوابق ناگزیر باید بمنشورها، دستخطها و فرمانهای پادشاهان یا دستور امرا و بزرگان توجه کرد و از گوشه و کنار بابدست آوردن فرمانها و نوشته‌ها و کتب و رسالات و خلاصه هر گونه منابع دیگر گوشه‌های تاریخ تاریخ مزبور را روشن نمود، از اینرو فرمان مورخ شعبان ۱۱۴۷ نادرشاه که از کتاب «تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز» تألیف شاهزاده نادر میرزا، نگارش اسان الملك ملك المورخین سپهر را استخراج و عیناً درج می‌کنیم و با مقایسه مفشور مزبور با قانون مجازات مختلسین اموال دولت و طرز رسیدگی

دیوان کیفر کارکنان دولت ، وجه امتیاز و افتراق آنرا با قوانین موضوعه روشن می‌سازیم تا از این راه مختصر خدمتی به نگارش تاریخ قضایی ایران شده باشد.

۱

نخست‌عین فرمانی را در زیر می‌آوریم که بمنظور تشویق « میرزا محمد شفیع » منشی تبریز که صداقت و خدمتگزاری او مورد تایید بوده ، خطاب « به نایب صاحب اختیار » خطه آذربایجان شرف‌صدور یافته و در آن پاداش و فوق‌العاده در حق منشی نامبرده منظور و مقرر گردیده است :

« اعوذ بالله تعالی »

« فرمان عالی شد »

« آنکه عالیشان اعزی لطفعلی بیگ نایب تبریز و صاحب اختیار مملکت آذربایجان بدانند که حسن خدمت نجابت و رفعت و معالی پناه میرزا محمد شفیع منشی تبریز کما هو حقّه بر پیشگاه خاطر عاطر و الاظهار و هویدا گردیده ، در مقام توبیت او را معین و مقرر فرمودیم که به حواله و اطلاق قیام و اقدام نموده ، سر رشته مضبوطی درست و بمصرفی که آن عالیشان تصدیق نماید ، رسانند. باید در حصول اطلاع بر مضمون در مقام حفظ آبرو و تمکین و تمکن او بوده بهر جهت مراعات لازمه با و نموده سوای مبلغ پنجاه تومان تبریزی موجب که در وجه او و مبلغ بیست تومان تبریزی که در وجه دو محرران او تعیین گردید ، رسومات انشای او را از هر عریضه و پنجاه دینار تبریزی بمومی‌الیه وا گذاشت ، تعلیقه جات احضار را باستحضار او قلمی نمایند و در این باب بغدغن تمام

اهتمام دانسته ، در عهده شناسند . تحریراً فی شهر

محرم ۱۱۴۶ .

در اینجا « خاتم » زده شده :

« لافتی الاعلی ، لاسیف الاذوالفقار ؛

نادر عصرم ، ز لطف حق غلام هشت و چار . »

در پشت این فرمان چهار خاتم می باشد باطغرای ثبت میرزا مهدی خان

که مشهور است .

۲

پس از مدت کوتاهی میرزا محمد شفیع متهم به « تقلب در مالیات دیوانی »
و « مقید و محبوس » می گردد . ولی پس از « رسیدن بحقیقت » (رسیدگی و کشف
حقیقت) معلوم می شود که بیگناه بوده ، او را مرخص و بهمان کاراول می گمارند :

« اتوذ بالله »

« فرمان عالی شد »

« آنکه سیادت و وزارت و کمالات پناه سلالة -
السادات میرزا عبدالرزاق وزیر دارالسلطنة تبریز بدانند
که چون بعرض اقدس رسیده بود که نجابت و سعادت
پناه نظاماً للرفعه میرزا محمد شفیع مستوفی دارالسلطنة
مزبور در مالیات دیوانی تقلبات نموده مقرر فرمودیم که
اموال مشارالیه را بجهت سرکار ضبط و او را مقید و
محبوس روانه در گاه معلی نمایند که به تقلبات مشارالیه
رسیده شود . بنحو مقرر مشارالیه را روانه در گاه جهان
پناه نموده بود ، مستوفیان عظام کرام در آن بحقیقت
برسند . صورت آنرا بعرض اقدس برسانیدند ، معلوم
و کلاهی اعلی کردید که مشارالیه تقلب و خیانتی در

مالیات دیوانی ننموده. بنابراین مشارالیه را مورد توجهات
خدیوانه نموده مرخص فرمودیم .

می باید آن وزارت پناه اموال مضبوطه او را
بدون کسر جنس بجنس تسلیم نموده قبض دریافت و
بنظر برساند . اگر اجناس را بیع نموده باشد، بهر کس
بیع نموده ، وجه آن را مهم سازی واجناس را باز یافت
و بنحو مقرر تسلیم نمایند . و هر گاه بعرض اقدس برسد
کسه همگی اجناس را بجنس تسلیم ننموده ، مورد
بازخواست خواهد شد .

مستوفیان عظام شرح رقم والارا در سرکارات لازمه
نموده اموال ضبطی نجات پناه مشارالیه را از حشو جمع
وزارت پناه مشارالیه وضع نموده چیزی ببدان سبب
ابواب جمع ننمایند و در عهده شناسند . تحریر آفی شهر
شعبان المعظم ۱۱۴۷ .

در اینجا نیز خاتم بهمان نقش و صفت زده شده و در پشت فرمان هفت
« خاتم دبیران » است که در میان آنها « خاتم میرزا مهدی خان » دیده می شود.



حال به نکات تشریفات قضایی و آیین دادرسی کیفری که از مطالعه فرمان
بالا بدست می آید ، توجه نموده ذیلا شرح می دهیم :

همانطور که جزو دوم ماده دوم قانون مجازات از مواد مصوب پنجم
آذر ۱۳۰۸ دیوان جزا حکایت دارد ، « اگر قراین و امارات برای
تعقیب متهم باختلاس و ارتشا کافی بود ، بلافاصله والا پس از تفتیش و
بدست آوردن قراین و امارات کافی مدعی العموم دیوان جزا یکی از
مستنطقین را مأمور رسیدگی می نماید . » و با توجه بمواد دیگر در مورد

بازداشت متهم اختیارات وسیعی که بازپرس و دادستان دیوان جزا در این گونه موارد دارند، معلوم می‌شود.

بموجب منشور نادرشاه در اثر اطلاعاتی که بعرض رسیده، دستور توقیف و حبس میرزا شفیع مستوفی دارالسلطنه تبریز را صادر و بعلاوه اموال مشارالیه نیز بموجب همان فرمان بجهت استیفای حق دولت کلا ضبط می‌گردد؛ بنابراین هر متهم باختلاس یا باصطلاح، متهم به تقلب در مالیات دیوانی علاوه بر اینکه بفرمان مخصوص بازداشت می‌شده، اموال او هم بعنوان تأمین در ضبط و توقیف قرار می‌گرفته است.

بطوری که ماده سوم قانون دیوان جزا از مواد مصوب پنجم آذر ۱۳۰۸ حکایت دارد، «حوزه صلاحیت دیوان جزا و مدعی العموم و مستنطقین آن تمام مملکت است».

از عبارت مذکور در منشور فوق «مشارالیه را روانه درگاه جهان پناه نمود»، می‌توان این استفاده را کرد که متهم باختلاس یا متهم بتقلب در مالیات دیوانی بامر نادرشاه بمرکز گسیل گشته و مستوفیان مأمور رسیدگی به محاسبه و اتهام او که در حقیقت همردیف خود میرزا شفیع بوده‌اند، شده‌اند. و پس از رسیدگی و دقت در کار و عرض گزارش مثبتی بر عدم ثبوت گناهش دستور مرخص شدن او را صادر نموده‌اند.

همانطور که از مجموع مواد مصوب هفتم آذر ۱۳۰۸ مربوط بدیوان جزا در تأمین مدعی به برمی‌آید، «مدعی خصوصی حق دارد از ابتدای ارجاع کار بمستنطق دیوان جزا، معادل مالی را که مدعی است، متهم برده، تقاضای تأمین نماید» و مستنطق هم در صورتی که با وجود قراین و امارات جرم متهم را قوی دید و مدعی به را در معرض تضییع و تفریط احتمال داد، مکلف است در ظرف ۲۴ ساعت قرار تأمین صادر

نماید و تأمین بتوقیف اموال منقول و غیر منقول متهم حاصل و در صورتی که مستنطق قرار منع تعقیب صادر یا محکمه متهم را قابل تعقیب ندانست و او را تبرئه کرد، قرار تأمین الغامی شود.

از فرمان نادرشاه چنین برمی آید که با ثبوت بیگناهی میرزا شفیع متهم و بعرض رسانیدن صورت حقیقت، دستور تسلیم کلیه اموالی که از مشارالیه ضبط شده، داده می شود. و چنان مقید با اجرای صحیح چنین دستوری بوده اند که در فرمان قیداست، اموال مضبوطه او را بدون کسر، جنس بجنس تسلیم نمایند، یعنی اموال از هر نوع یا غیر منقول بھر نحو، باید همان اموال و اجناس پس داده شود و قبض رسید دریافت دارند که مبادا مورد شکایت متهم برائت یافته واقع گردد. مطلب اضافه ای که در دستور ملاحظه می شود، این است که اگر جنس مورد ضبط فروخته شده، از خریدار باید بپرداخت وجه پس بگیرند و بصاحب اصلی آن مسترد دارند.



سند تاریخی مزبور در حقیقت بیشتر در باره تشریفات و آیین رسیدگی و مر بوط بکسی است که در مظان اتهام بوده و ماموران رسیدگی دلایل را کافی بر ثبوت تقصیر او ندانسته و باعرض گزارش (صورت حقیقت) او را بیگناه اعلام داشته اند. ولی فرمانی که حکایت از مجازات و نوع بزه در آن عصر بکنند، بدست نیاوردیم تا در اطراف آن بحث شود.

۳

واکنش تعقیب و رسیدگی بکار متهم و اعلام بیگناهی او تشویقی بوده که با اضافه مواجب درباره او بعمل آمده و پیداست؛ همانطور که در ماده ۴۱ قانون استخدام کشوری قانونگذار متعرض است که « هر گاه مستخدمی بانهام جنحه یا جنایتی بعدلیه جلب شود، از موقع اقامه دعوی در محکمه، او موقه از شغل خود

منفصل و در صورتی که برائت زمه مشارالیه حاصل شود، ایام انفصال جزو مدت خدمت رسمی محسوب و مقرری آن را دریافت خواهد نمود .

در آن زمان هم معلوم می شود که با فرمان و اضافه موجب جبران هتک حیثیت یا بیکاری و شکست او را مقام عالی می نمودند .

اینک فرمان مربوط به اضافه موجب متهم که بیگناهی او به ثبوت رسیده :

آنکه بنا بر شفقت شاهنشاهی و عنایت ظل الهی

در باره نجابت و رفعت و معالی پناه سلاله النجباء العظام میرزا محمد شفیع مستوفی آذربایجان از ابتدای هفت ماهه هذه السنه تخاقویی سی موجب مشارالیه را بدین موجب هفت هزار و دوست نادری :

اصل از ابتدای هذه السنه : اضافه از ابتدای هفت ماهه :

چهار هزار نادری سه هزار و دوست نادری

مقرر فرمودیم که سال بسال وجه مزبور را باز یافت و صرف معیشت خود نموده با چهار نفر نویسنده مذکور که موجب ایشان را بموجبی که در تحت اسم هر یک تفصیل یافته ، عن اصل و اضافه مقرر فرموده ایم :

میرزا رضا پانصد نادری : اصل دوست و چهل نادری ،

اضافه از ابتدای هفت ماهه دوست و شصت نادری ؛

میرزا ابوطالب سیصد نادری : اصل دوست و چهل

نادری ، اضافه در ابتدای هفت ماهه شصت نادری ؛

میرزا ربیع سیصد نادری : اصل دوست و چهل نادری ،

اضافه در ابتدای هفت ماهه شصت نادری ؛

میرزا محمد سیصد نادری : اصل دوست و چهل نادری ،

اضافه از ابتدای هفت ماهه شصت نادری ؛

از روی امیدواری و اخلاص کیشی بخدمات مقرر

قیام نمایند؛ عالیجاه مقرب الخاقان مستوفی المالك و مستوفیان
عظام گرام شرح رقم مبارک را در دفاتر خود ثبت نموده از شایبه
تغییر مصون دانند و در عهد شناسند. تحریراً فی شهر جمادی
الاول سنه ۱۱۵۴ .»

و در حاشیه نگاشته شده و بهمین خاتم مزین است:
« نکین دولت و دین رفته بود چون از جا ،
بنام نادر ایران قرارداد خدا . »

۴

«مقرر آنکه سلاله النجباء العظام مشارالیه وجهه مواجب
خود و محرران مذکور را به نهج مقرر هر ساله بموجب
قبض از اعمال دار السلطنه تبریز باز یافت نمایند. ضابط مالیات
و اعمال دار السلطنه مزبوره هر ساله وجهه مواجب مشارالیه را
از قرار قبض مهمسازی و بخرج خود مجری دانند .»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی